



Principles and Components of Efficient Supervision in Light of Systemic Supervision in Iran and Religious Thought With Emphasis on Economic Corruption

Seyed Ahmad Mousavi Khameneh ^{1*}, Ebrahim Moussazadeh ², Vali Rostami ³

1. Department of Public Law, Aras Branch, University of Tehran Campus, Tehran, Iran.

2. Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 127-142

Article history:

Received: 25 Apr 2025

Edition: 06 Jun 2025

Accepted: 13 Jul 2025

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Oversight, Efficiency, Efficient Oversight, Systemic Oversight.

Corresponding Author:

Seyed Ahmad Mousavi Khameneh

Address:

Iran, Tehran, University of Tehran Campus, Aras Branch, Department of Public Law.

Orchid Code:

0000-0000-0000-0000

Tel:

09121113149

Email:

Mousavi.ahmad111@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: Efficient supervision in the light of systemic supervision leads to better and greater understanding of the capacity and aspects of the system's executive affairs, identification of problems, and continuous improvement of the performance of system officials. The purpose of this study is to explain the principles and components of efficient supervision in the light of systemic supervision in the Islamic Republic of Iran and Islamic foundations.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Efficient and systemic supervision, as the main component for ensuring the efficiency of the system and continuous improvement of the performance of officials, is one of the important pillars of desirable governance and has an irreplaceable role in achieving goals and ensuring the health of the system, preventing corruption, and realizing social justice. Therefore, the most important priority of the Islamic Republic of Iran system should be to provide a desirable and methodical framework for efficient and systematic supervision to achieve efficiency and sustainable improvement in all areas of the system.

Conclusion: The findings of this study indicate that effective oversight requires comprehensive and systematic oversight of the pillars and aspects of the country's executive affairs, public participation, as well as the obligation of accountability of responsible institutions and transparency in the political system.

Cite this article as:

Mousavi, S-A; Moussazadeh, E; Rostami, V. *Principles and Components of Efficient Supervision in Light of Systemic Supervision in Iran and Religious Thought With Emphasis on Economic Corruption*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۵

اصول و مولفه‌های نظارت کارآمد در پرتو نظارت سیستمی در ایران و اندیشه دینی با تأکید بر فساد اقتصادی

سیداحمد موسوی خامنه^۱، ابراهیم موسوی زاده^۲، ولی رستمی^۳

۱. گروه حقوق عمومی، واحد ارس، پردیس دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نظارت کارآمد در پرتو نظارت سیستمی منجر به شناخت بهتر و بیشتر ظرفیت و زوایای امور اجرایی نظام، شناسایی مسائل و بهبود مستمر عملکرد مسئولین نظام می‌شود. هدف پژوهش حاضر تبیین اصول و مولفه‌های نظارت کارآمد در پرتو نظارت سیستمی در نظام جمهوری اسلامی ایران و مبانی اسلامی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نظارت کارآمد و سیستمی به عنوان اصلی‌ترین مولفه برای احراز کارآمدی نظام و بهبود مستمر عملکرد مسئولین، یکی از ارکان مهم حکمرانی مطلوب و نقش بی‌بدیلی در تحقق اهداف و تضمین سلامت نظام، پیشگیری از فساد و تحقق عدالت اجتماعی دارد؛ لذا باید مهم‌ترین اولویت نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه چارچوب مطلوب و روش‌مند جهت نظارت کارآمد و سیستمی برای تحقق کارآمدی و ارتقای پایدار آن در همه عرصه‌های نظام باشد.

نتیجه: نظارت کارآمد مستلزم نظارت جامع و سیستمی بر ارکان و زوایای امور اجرایی کشور، مشارکت عامه و همچنین الزام پاسخگویی نهادهای مسئول و شفافیت در نظام سیاسی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۷-۱۴۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

نظارت، کارآمدی، نظارت کارآمد، نظارت سیستمی.

نویسنده مسئول:

سیداحمد موسوی خامنه

آدرس پستی:

ایران، تهران، پردیس دانشگاه
تهران، واحد ارس، گروه حقوق
عمومی.

تلفن:

09121113149

کد ارکید:

0000-0000-0000-0000

پست الکترونیک:

Mousavi.ahmad111@gmail.com

۱. مقدمه

مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت. در راستای استقرار حکومت قانون لازم است سازوکار نظارتی مناسب وجود داشته باشد. در نتیجه، نظارت کارآمد جهت حاکمیت قانون یکی از اصول اصلی در حقوق عمومی است. جمهوری اسلامی ایران همانند سایر نظام‌های سیاسی علاوه بر کسب مشروعیت اولیه (حقانیت) در هنگام تأسیس و مراحل گوناگون شکل‌گیری‌اش، در مسیر پیشرفت و تحقق اهداف خود همواره نیازمند احراز کارآمدی و در نتیجه استمراربخشی به مشروعیت ثانویه است. نظارت کارآمد در پرتو نظارت سیستمی منجر به شناخت بهتر و بیشتر پتانسیل‌ها و زوایای امور اجرایی نظام، شناسایی به هنگام مسائل و مشکلات و بهبود مستمر عملکرد مسئولین نظام می‌شود. این رویکرد با ایجاد تصویری جامع از نظام سیاسی، به صورت جامع و یکپارچه، شامل شبکه‌ای هماهنگ و منسجم از نهادها، قوانین و رویه‌ها است و علاوه بر امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و مدیریت موثرتر برای رفع اشکالات و موانع، متضمن کنترل عملکرد مسئولین ارشد و میانی نظام در چارچوب قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام می‌باشد. نظارت سیستمی سهم بسیار مهمی در پویایی و توانمندی نظام مدیریتی کشور دارد، نظام

مدیریتی حال حاضر با روش‌های قدیمی بر پایه نظارت‌های حضوری و دستی و با دوره‌های زمانی طولانی به ارزیابی عملکردها و رخدادهای مالی می‌پردازد؛ اما نظارت سیستمی امکان ارزیابی بانک‌ها و مقایسه آنها را به صورت لحظه‌ای فراهم می‌کند. در روش‌های قدیمی بعضاً شناسایی و ارزیابی تصمیمات، عملکردها و انحرافات تا چند ماه طول می‌کشد؛ اما در نظارت سیستمی در هر لحظه به صورت آنلاین همه فعالیت‌ها ارزیابی و نظارت می‌شود که به دقت بالاتر و افزایش بازدارندگی در نظارت منجر خواهد شد و تخلفات و سوءاستفاده‌ها را به حداقل می‌رساند بنابراین نظارت هوشمند و الکترونیک با استفاده از ابزارهای جدید و هوشمند از مولفه‌های نظارت سیستماتیک است. اعمال نظارت هر چند از ابزارهای مهم و موثر مدیریتی در هر نظام سیاسی به شمار می‌رود، با این حال وجود مشکلات و موانعی از جمله موازی کاری و تداخل صلاحیت‌ها و عدم استقلال ناظر باعث می‌شود که اعمال آن اثربخشی لازم را نداشته باشد (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷، ۱۷). از سوی دیگر نظارت یک امر پیچیده است و متغیرهای متعددی در آن دخالت دارد. که برخی جنبه درون سازمانی و برخی نیز برون سازمانی دارند. براساس مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده، ساختارهای نظارتی بطور کلی با مشکلاتی مواجه هستند که مانع از تحقق اهداف نظارتی می‌شود. لذا شناسایی این موانع و مشکلات می‌تواند به کارآمدتر کردن این ساختارها کمک کند. در نظام جمهوری اسلامی ایران ساختارهای نظارتی متعددی بین قوا و درون قوا پیش‌بینی شده است. تعدد ساختارها زمانی مفید است که تمرکز در سیاست‌گذاری و مدیریت وجود داشته باشد. در کشور ایران ساختارهای

۵. بحث

۵-۱. مبانی کارآمدی

کارآمدی یکی از مفاهیم اصلی و کاربردی در همه نظام‌های سیاسی است. از آن جا که مسئله کارآمدی و راهکارهای مؤثر در آن با رویکردهای مختلف متناسب با شرایط، ویژگی‌ها و نوع نگرش هر نظام می‌تواند نتایج مختلفی را در بر گیرد در این پژوهش سعی به طرح مبانی و رویکردی شده است که امکان شناخت اغلب شاخصه‌های مؤثر بر کارآمدی را فراهم آورد که می‌تواند راه‌گشای مسئولان و سیاست‌گذاران نظام به معنای تحقق بهینه کار ویژه‌های اساسی حکومت یعنی «تحقق اهداف» و «رضایت خاطر» حکومت‌شوندگان قرار گیرد. نظامی را می‌توان کارآمد دانست که بتواند این چرخه را تحت کنترل خود در آورد و بقای خویش را تضمین کند و این امر زمانی میسر خواهد شد که نخبگان و تصمیم‌سازان نظام سیاسی از عقلانیت و تدبیر لازم برای تحقق صحیح این کارویژه‌ها برخوردار باشند؛ در این رابطه نقش تعیین‌کننده دولت و حاکمان سیاسی در تحولات اساسی هر جامعه موجب شده که مباحث مربوط به کارآمدی نظام از برتری و مزیت بیشتری نسبت به سایر امور برخوردار باشد و توجه دست اندر کاران و مسئولان نظام را به خود جلب کند؛ به همین دلیل پرسش از مبانی کارآمدی و چگونگی تبیین و تحقق آن، یکی از پرسش‌های محوری و از مهمترین عوامل تشویش خاطر باورمندان و شکل‌دهندگان هر نظام سیاسی است. کارآمدی کل، در سیستم‌های مرکب و پیچیده برابر با حاصل جمع کارآمدی اجزای آن است؛ بنابراین اگرچه در یک سیستم پیچیده، بروز عیب و نقص، جریانی محتمل و طبیعی به نظر می‌رسد، لکن روند کلی و برآیند مجموعه

متعدد وجود دارد ولی هر کدام مستقل از هم و بدون سیاست‌گذاری مشترک عمل می‌کنند. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، اصول و مولفه‌های نظارت کارآمد در پرتو نظارت سیستمی در ایران و آموزه‌های اسلامی چه مواردی می‌باشند؟ فرضیه-ای که در پاسخ به پرسش مزبور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، نظارت کارآمد مستلزم نظارت جامع و سیستمی بر ارکان و زوایای امور اجرایی کشور، مشارکت عامه و همچنین الزام پاسخگویی نهادهای مسئول و شفافیت در نظام سیاسی است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که نظارت کارآمد و سیستمی به عنوان اصلی‌ترین مولفه برای احراز کارآمدی نظام و بهبود مستمر عملکرد مسئولین، یکی از ارکان مهم حکمرانی مطلوب و نقش بی‌بدیلی در تحقق اهداف و تضمین سلامت نظام، پیشگیری از فساد و تحقق عدالت اجتماعی دارد؛ لذا باید مهم‌ترین اولویت نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه چارچوب مطلوب و روش‌مند جهت نظارت کارآمد و سیستمی برای تحقق کارآمدی و ارتقای پایدار آن در همه عرصه‌های نظام باشد.

عملکردها و تلاش‌های صورت گرفته، می‌تواند تعیین‌کننده میزان کارآمدی آن باشد. نکته برتر آن است که «وجود کارآمدی» گرچه موضوعی عینی محسوب می‌شود، اما «احساس وجود کارآمدی»، یک موضوع ذهنی است از این رو لازم است؛ با اطلاع رسانی صحیح نسبت به اقدامات انجام گرفته از ذهنیت سازی منفی در افکار عمومی جلوگیری شود (عابدینی، ۱۳۹۲، ۱۲). علی‌رغم اعتقاد افراد بشر بر ضروری بودن وجود حکومت در جوامع انسانی در عمل، رویکردهای سیاسی متفاوتی بر آن حاکمیت داشته است. دلیل عمده این تفاوت‌ها ناشی از اختلافی است که در مبانی معرفتی و نوع نگرش حاکمان و دست‌اندرکاران حکومت وجود دارد؛ به عبارت دیگر درون مایه اندیشه‌های سیاسی که مبنای کار ویژه‌ها و کارکردهای گوناگون حکومتی را شکل می‌دهند، سامان یافته انواع مبانی معرفتی نظام‌های سیاسی است. در کلان موضوع برمبنای نوع نگرش به هستی و انسان دو نوع ساختار قدرت پدید می‌آید؛ نگرشی که هستی را سراسر مادی تلقی نموده و انسان را خلاصه شده در بُعد جسمی می‌پندارد و دیدگاهی دیگر که عالم را دارای ابعادی فراتر از ماده دانسته است و تعریف او از انسان علاوه بر بُعد مادی - بُعد معنوی را نیز شامل می‌شود. طبیعی است نظام سیاسی بر مبنای دیدگاه نخست حداکثر کارآمدی آن معطوف به تأمین نیازهای مادی بشر خواهد بود. در مقابل، نظام سیاسی که بر مبنای نگرش دوم سامان می‌یابد توان خود را در تدارک نیازهای هر دو بعد مادی و معنوی افراد جامعه به کار می‌گیرد. در این میان، نظام دموکراسی لیبرال مصداق بارزی از نوع نگرش اول است که به دلیل مبانی معرفتی خود و شکل‌گیری طبیعی

سکولاریسم و لیبرالیسم و اومانیزم به عنوان نتیجه طبیعی چنین معرفت‌شناسی و همچنین بر اساس «نسبیت‌گرایی فلسفی» خود نگاهی مادی به جهان و انسان در این دنیای محدود دارد. در مقابل، نظام مردم‌سالاری دینی به عنوان نمونه‌ای شاخص از دیدگاه دوم با نسبی ندانستن حقیقت در عالم ذهن و عین و اعتقاد به وجود «حقیقت مطلق» در سطح هستی در حوزه‌های نظر و عمل، برای انسان به عنوان مخلوق خداوند، وجود آمیخته از ماده و معنا قایل است و علاوه بر ارتقای مادی و معنوی‌اش، وی را محدود به این دنیای مادی نمی‌داند (اصلانی، ۱۳۹۰، ۱). کارکرد حکومت‌ها به دو دسته عام (میان همه حکومت‌ها، اعم از دینی و غیردینی مشترک است) و خاص (عملکردی مخصوص که فقط به نوع ویژه‌ای از حکومت‌ها اختصاص دارد) تقسیم می‌گردد (رهبر، ۱۳۷۵، ۱۰۰). به عبارت دیگر حکومت‌هایی که مبنای فکری آن‌ها بر مبنای نگاه مادی صرف استوار است اهداف حکومتی خود را در قالب کار ویژه‌های عام، نظیر امنیت، نظم و رفاه و صرفاً با هدف آبادی دنیای بشر طراحی می‌نمایند؛ در مقابل، حکومت‌هایی که دیدگاهی غیر مادی به هستی و انسان دارند کلیه اهداف حکومتی را در امور مادی خلاصه ندانسته‌اند ضمن پذیرش و پی‌گیری کار ویژه‌های عام (مادی) با جدیت به دنبال تأمین کار ویژه‌های خاص غیر مادی زندگی بشر نیز می‌باشند تا آن‌جا که در راستای اعتلای بعد اصیل و حقیقی وجود انسان (بعد روحی و معنوی) حیاتی طیبه را از همین دنیا برای او فراهم آورند (اصلانی، ۱۳۹۰، ۹۲).

۵-۲. مبانی حقوقی کارآمدی

نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم‌سالاری دینی زمانی می‌تواند کارآمدتر باشد که در

غربی در این است که نظارت ملی در غرب اختیاری است و هر کسی می‌تواند در آن وارد شود یا نشود ولی نظارت همگانی بر حکومت در اسلام یک وظیفه شرعی است و همه آحاد جامعه با شرایط و مقتضیات خود مکلف به انجام آنند.

۳-۵. نظارت در اندیشه دینی

نظارت بر قدرت سیاسی در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام در دو حوزه نظارت درونی، ویژگی‌های درونی حاکم همچون عدالت، تقوا، توجه به وجدان اخلاقی و نظارت بیرونی مورد بررسی قرار گرفته است. نظارت در حقیقت برای پیشگیری از فساد حکومت و حاکم انجام می‌پذیرد و یکی از ابعاد بسیار مهم برای تحقق این امر، تحدید مظاهر طغیانگر قدرت است که البته در جوامع و شرایط مختلف چگونگی آن تفاوت می‌کند.

۴-۵. فساد اقتصادی

فساد از موانع اساسی رشد و تکامل جوامع و نهادهای به شمار می‌رود. به همین دلیل همواره کسانی که در پی سلامت نظام اجتماعی بشر و تکامل آن بودند، به دنبال پیشگیری و دوری از این پدیده شوم می‌روند. در آنچه جانستون (۱۹۹۶) دیدگاه کلاسیک نامید، فساد جامعه یا دولتی را توصیف می‌کند که از درستی و خوبی فاصله گرفته باشد. فساد معمولاً به عنوان سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌شود. واژه اقتصاد در لغت به معنای تعادل داشتن و کم خرج کردن و ذخیره هست. اما برای توضیح ماهیت اقتصاد، میتوان گفت یک اقتصاد، مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. فساد مالی (اقتصادی) همزاد با تشکیل حکومت در جوامع، مطرح بوده است؛ یعنی از زمان تشکیل حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و

دو مقوله بسیار مهم و تأثیر گذار در کارآمدی به موفقیت نایل شود: اول گسترش حرکت و مشارکت جمعی مردم در نظام؛ تا حرکت و مشارکت جمعی مردمی در جامعه و نظام سیاسی گسترش نیابد مسئله کارآمدی و در نتیجه ارتقای آن با مشکل روبرو خواهد بود؛ زیرا نه با تکروری رهبران نظام‌های سیاسی معضلات یک نظام حل می‌شود، نه با حاکمیت حداقلی، بلکه نظام‌های سیاسی مردم سالار واقعی که حرکت و مشارکت جمعی مردم در آن نقش اساسی دارد می‌توانند مشکل کارآمدی را حل و کارآمدی نظام را ارتقا دهند. دوم نظارت مؤثر بر ارکان حکومت و زوایای امور اجرایی نظام، به طوری که نظام کامل و دقیق نظارت و کنترل به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان حیاتی یک نظام سیاسی سالم و کارآمد به درستی اعمال شود. امروزه ضرورت نظارت بر دستگاه‌های اداری و نقش آن در تأمین و تعمیم عدالت و برابری به تمام سطوح جامعه و تضمین کامل حقوق مردم و در نهایت دولت و نظام اداری کارآمد و مطلوب بر کسی پوشیده نیست. اساساً یکی از خصایص غیر قابل انکار در حکمرانی خوب و مدیریت شایسته در حکومت‌های امروزی، اعمال نظارت است. منابع دینی به‌خصوص نهج البلاغه، همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظارت عمومی در نظام سیاسی اسلام را اجتناب ناپذیر دانسته و جایگاه ویژه‌ای برای آن قائل شده‌اند و آن را برای حفظ نظام از آسیب‌ها به عنوان یک عامل سازنده و بازدارنده ضروری می‌دانند. از مصادیق مهم نظارت مؤثر در معارف و آموزه‌های دینی و اصول قانون اساسی نظارت عمومی است و این نظارت است که جامعه را از انحرافات و آسیب‌ها مصون می‌سازد. فرق نظارت همگانی در جامعه اسلامی با نظارت ملی در جوامع

نهادهای عمومی، فساد مالی و سوءاستفاده از اختیارات نیز شکل گرفته است و همواره تهدیدی جدی برای جامعه و منابع عمومی بوده و هست. (دادگر و معصومی نیا، ۱۳۸۳، ۱۱) تعریف کارکردی فساد اقتصادی که از سوی بانک جهانی، سازمان بین‌المللی شفافیت مالی و مراجع دیگر ارائه شده، عبارت است از سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی. (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷، ۳).

۵-۵. رویکرد سیستمی

رویکرد سیستمی یکی از بهترین روش‌ها جهت شناخت علمی نظام سیاسی و نحوه فعالیت آن است (بشیره، ۱۳۸۲، ۸۰-۶۱). به‌طور کلی کاربرد مفهوم کارآمدی در ادبیات سیاسی را باید مرهون ادبیات نظریه سیستمی دانست. مهم‌ترین اهدافی که در رویکرد تحلیل سیستمی دنبال می‌شوند عبارتند از: ایجاد مدل‌های تعمیم یافته سیستم‌ها، تهیه یک دستگاه منطقی روش شناختی برای تشریح کارکرد و رفتار عنصر سیستم‌ها، تنظیم نظریه‌های تعمیم یافته انواع مختلف سیستم‌ها از جمله نظریه‌های پویایی سیستم‌ها و فرآیند کنترل. مفهوم نظام در دهه ۱۹۵۰ میلادی توسط لودویگ فون برتالنفی در حوزه زیست‌شناسی ابداع شد و سپس به سرعت به دیگر حوزه‌ها تعمیم یافت. (خلیلی، ۱۳۸۷، ۲۴). مهم‌ترین اهدافی که در رویکرد تحلیل سیستمی دنبال می‌شوند عبارتند از: ایجاد مدل‌های تعمیم یافته سیستم‌ها، تهیه یک دستگاه منطقی روش‌شناختی برای تشریح کارکرد و رفتار عنصر سیستم‌ها، تنظیم نظریه‌های تعمیم یافته انواع مختلف سیستم‌ها از جمله نظریه‌های پویایی سیستم‌ها و فرآیند کنترل. نظام یا سیستم، در تعریف عمومی و کلی، شامل مجموعه‌ای از عوامل

گوناگون است که به‌طور دینامیکی بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند و برای به انجام رساندن کار یا دست یافتن به هدف خاصی سازمان یافته‌اند (خلیلی، ۱۳۸۷، ۲۴) عناصری که در این تعریف کلی از سیستم وجود دارد، در اغلب تعاریف نهفته است. این روش که محصول دید کلان و جامع نسبت به عملکرد نظام‌های سیاسی است، در کوتاه‌ترین راه و با بیشترین بازدهی پژوهشگر را به هدف تحقیق می‌رساند (رضائیان، ۱۳۸۳، ۳۶). یکی دیگر از ویژگی‌های تحلیل سیستمی، کل‌گرایی است؛ بدین معنا که اساساً کلیت‌های نظام مند را نمی‌توان با تجزیه شناخت، بلکه باید آن‌ها را به عنوان یک سیستم تحلیل کرد. بررسی ماهیت نظام سیاسی و وجوه کارکردی و ساختاری آن، مبین مجموعه‌ای از عناصر، کارکردها و ارتباطات در نظام سیاسی است. در حقیقت ماهیت حکومت و مدیریت جامعه، موضوعی است که با مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با حیات بشر ارتباط دارد؛ از این رو، ساختارها، قوانین، فرآیندها و سایر تصمیمات و کارکردهای حکومت و نظام‌های پیرامونی آن، به هم مرتبط بوده و در یکدیگر تأثیر دارند و از میان نظریه‌های مختلف، تنها نظریه سیستمی به‌خوبی می‌تواند تبیین‌گر و تحلیل‌کننده کارآمدی نظام سیاسی باشد. واسطه آن هویتی خاص دارند که از محیط بیرونی متمایز می‌شوند؛ در واقع، هر نظام یا سیستم، یک محیط داخلی و بیرونی دارد و از ساختار و کارویژه‌های خاصی تشکیل شده است که هدف خاصی را دنبال می‌کنند. مفهوم و نگرش سیستمی نخستین بار با پسوند سیاسی توسط دیوید ایستون در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به کار گرفته شد. ایستون این نظریه را در کتاب‌های «نظام سیاسی» و «تحلیل نظام مند زندگی سیاسی»

مورد بررسی و مطالعه قرار داد و مفهوم سیاست و زندگی سیاسی را با نظریه نظام‌ها تبیین نمود (خلیلی، ۱۳۸۷، ۱۵). به نظر می‌رسد، وجه مشترک تمامی این افراد آن است که نظام سیاسی را به مثابه سازمان و تشکیلاتی می‌دانند که با محیط داخلی و بیرونی در کنش و واکنش متقابل است و اجزای ساختاری این نظام به واسطه کارویژه‌هایشان هدف خاصی را دنبال می‌کنند و همین هدف خاص و ساختار و کارویژه‌های خاص، مبنای تمایز نظام‌های سیاسی مختلف از یکدیگر است؛ به عبارت دیگر، ساختار هر نظام سیاسی از چهار بخش اصلی است. این در حالی است که کارویژه‌های این ساختار در کشورهای مختلف، متفاوتند و همین تفاوت در محتوای ساختارها و کارویژه‌ها باعث تمایز نظام‌های سنتی از مدرن، توسعه یافته از توسعه نیافته و ثروتمند از فقیر می‌شود.

۵-۶. ارتباط رویکرد سیستمی با کارآمدی

کارآمدی نظام‌های سیاسی فارغ از دیدگاه‌ها و چارچوب‌های نظری در ساختار کلان نظام، نیازمند مدلی علمی مبتنی بر معیارهای بومی است تا با رویکردی واقع گرایانه و جامع به همه عناصر ساختاری، ایده ای، کارگزاری، رفتاری و فرآیندهای داخلی و همچنین نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین المللی پیرامون نظام سیاسی، پاسخگوی همه ابعاد کارآمدی باشد. در این رویکرد ملاک ارزیابی، سنجش مراحل سه گانه «ورودی، عملیات، خروجی» است و ویژگی آن توجه به شرایط محیطی سنجش کارآمدی است. بر اساس این رویکرد، نظام یا سازمان هنگامی کارآمد است که ارتباط خروجی و ورودی آن کامل آشکار و قابل تبیین باشد؛ یعنی عملیات تغییر و تحول باید چنان روشن و مفید باشد که

در هر شرایط محیطی، وقتی ورودی تحقق یافت، خروجی کاملاً مشخص باشد. نگرش سیستمی به کارآمدی از یک سو به معنای قابلیت انطباق و سازواری این سیستم با سیستم‌های دیگر و از سوی دیگر به معنای تعادل در درون سیستم است (ارسطا و عامری، ۱۳۹۲، ۱۱). در واقع، بر اساس رویکرد سیستمی، نظام سیاسی وقتی کارآمد است که هم بتواند با محیط بیرونی خود در تعامل باشد و هم بتواند تعادل را در داخل حفظ کند و این دو زمانی ممکن است که سیستم قابلیت پذیرش تقاضاها و انتظارات را در مبادی ورودی و قابلیت و ظرفیت درونی برای تبدیل آن‌ها به خروجی مناسب و سپس امکان باز خوردگیری از خروجی‌های خود را به صورت دائمی و مستمر داشته باشد. به نظر می‌رسد، بر اساس رویکرد سیستمی نظام سیاسی باید تمام ویژگی‌های کلی و کارویژه‌های لازم برای انطباق با محیط را داشته باشد. با این اوصاف، رویکرد سیستمی تصویری جامع از نظام سیاسی ارائه می‌دهد که بر مبنای آن می‌توان انتظار کارآمدی از کل نظام سیاسی داشت، اما در عین حال به اجزای کارکردی نظام و همچنین به نقش کارگزاران توجه اندکی دارد.

۵-۷. نظارت کارآمد در جمهوری اسلامی

ایران

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، رقیب در صحنه، (نظام‌های مبتنی بر تفکر لیبرال دموکراسی غرب) باقی ماند. دین و آموزه‌های وحیانی از ساحت فردی به ساحت اجتماعی و حکومتی آمد، و ادعای آنان که دین در عرصه سیاسی و حکومتی ناکارآمد است و نباید وارد عرصه سیاست و حکومت شود را مخدوش کرد. درمورد ضعف نهادهای نظارتی در ایران امروز می

توان به اهم داده ها و یافته ها به شرح ذیل اشاره کرد: ۱- مساله ضعف در نهادهای نظارتی در نظام سیاسی ایران امروز یک مساله جدی و واقعی می باشد عدم نظارت منطقی و منصفانه باعث زوال تدریجی دولت و نظام سیاسی می گردد و روند بازخورد گیری مثبت و منفی از عملکرد جامعه سیاسی را مختل کرده است. ۲- بسیاری از مفاسد سیاسی و اقتصادی جامعه امروز ناشی از ضعف نهادهای نظارتی می باشد. ۳- عدم یک سیستم جامع نظارتی، ضعف جدی در شکل گیری نهادهای مردمی و سیاست زدگی در بعضی از رسانه ها و عدم توجه کافی به جریان آزاد اطلاعات موجب ضعف در روند نظارت در جامعه شده است. ۴- از ابزارهای مهم نظارتی بر روند فعالیت دولت ها و دفاع از حقوق شهروندی وجود احزاب پویا و واقعی (خودساخته مردم نه دست ساز قدرت سیاسی) می باشد که متاسفانه بنا به دلائل ذهنی و تاریخی -فرهنگی و همچنین موضوعاتی چون دولت سالاری، پدیده جنگ، اقتصاد دولتی و دولت رانتیر و قانون گریزی بعضی از کارگزاران احزاب در جامعه ایران به خوبی شکل نگرفته است. ۵- با وجود تاکید منشور اخلاقی سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر نظارت درونی و توجه به امر آخرت و سیاست اخلاقی، شاهد اتفاقات نامیمونی در حوزه های قدرت سیاسی و اقتصادی در سطوح قوای سه گانه می باشیم که به ترویج پارادوکس درنظر و عمل بعضی از کارگزاران منجر گردیده است. ۶- مساله ضعف نهادهای نظارتی بر کاهش کارآمدی دولت و همچنین تضعیف اعتماد سیاسی جامعه موثر بوده است. (رهبر، ۱۴۰۱، ۱۴۸) به این ترتیب می توان گفت که الف) نظام نظارتی در جمهوری اسلامی ایران فاقد یک تعریف جامع از نظارت بوده و به همین سبب

فاقد مهارت ها و تخصص های لازم برای درگیر شدن با کل وظایف مدیریتی است. ب) مدیریت در سازمان های ایران قائل به جایگاه اساسی و تعریف صحیح از نظام نظارتی نیست؛ به همین سبب نتیجه آن عدم ایجاد سازگاری و هماهنگی در نظام نظارتی است. ج) عدم توجه به نگرش سیستمی در نظام نظارتی جمهوری اسلامی ایران و در عوض نگرش بخشی، وجود مراکز متعدد نظارتی با نگرش بخشی مختلف، موجب غیر تخصصی شدن نظام نظارتی گردیده است. د) نظام های نظارتی در جمهوری اسلامی ایران به جای برنامه از معیارهای مختلف و غیر هماهنگ استفاده کرده و موجب گردیده تا به یک نظام نظارتی غیرسازگار و ناهماهنگ تبدیل گردد. ه) عدم درک مشترک مدیریت و دستگاه ناظر از مفهوم و جایگاه رفیع نظارت و اصالت دادن هر بخش به خود، و عدم توجه به تعامل این دو جایگاه، نظام نظارتی را به نظام ناسازگار و ناهماهنگ تبدیل کرده است. و) نظام نظارتی برای انجام وظیفه خویش از یک فرایند علمی تحقیق بهره نمی گیرد؛ به همین سبب قطعیت، اعتبار و روایی نتایج آن مورد سؤال است. ز) شرایط محیطی به طور مداوم در حال تغییر است و این امر از محدوده ارزیابی های ناظرین خارج نگه داشته می شود؛ در حالی که سازمان ها در این فضا تنفس می کنند.

۵-۸. مولفه های الزامات نظارت کارآمد برای

جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران هم به لحاظ پتانسیل های ارزشی و هم به لحاظ ساختار و ساز و کارهای حاکمیتی، هم به لحاظ ظرفیت های عملی، می بایست در جایگاهی به مراتب کارآمدتر از سایر نظام های سیاسی دنیا قرار گیرد. اسلام

دینی جامع است و همه شئون حیات انسان را تا ابد در بر می‌گیرد اصول جهان بینی اسلام مسیر حرکت جهان و انسان و جامعه را به دقیق ترین، جامع ترین و کامل ترین شکل به خوبی تبیین و به صورت مستدل بیان کرده است بسیار طبیعی است که از چنین جهان بینی ای، دقیق ترین، جامع ترین و کامل ترین نظام سیاسی پدیدار شود (پورعزت، ۱۳۸۷، ۱۷). راهبردهایی مانند شفافیت اقدامات دولتی گسترش شبکه‌های ارتباطی میان مجامع و کانونهای مختلف اعم از بخش دولتی خصوصی و افزایش آگاهی‌های عمومی و نظایر آن در تقویت رفتارهای اداری پاسخگو مؤثر است. مشارکت عامه مردم در اقدامات دولت باید چنان گسترش یابد که افراد جامعه خود را در فضای جریانهای اداری اثرگذار احساس کنند برای تحقق چنین هدفی هم به افراد پاسخگو و هم به نظامهای اداری پاسخگو نیاز داریم در طراحی نظام‌های سازمانی باید ساختاری که پاسخگویی را تسهیل کند یا تحقق بخشد مدنظر قرار بگیرد. همچنین در تدوین قوانین و مقررات، روشهای پاسخگویی باید دغدغه خاطر قانونگذاران و تصمیم گیرندگان باشد. بر همین اساس هر چه افراد از شغل خود رضایت بیشتری داشته باشند، رفتار آنها با پاسخگویی بیشتری همراه خواهد بود. همچنین در سازمانهایی که برای اعمال خطا، مجازات مناسب وجود داشته باشد رفتار کارکنان با پاسخگویی بیشتری همراه خواهد بود (بهبود آهنی، ۱۳۹۷، ۸۸). نظام‌های اداری پاسخگو در درون خود سازوکارهایی برای بهبود عملکرد و تسهیل امر پاسخگویی فراهم می‌کند یکی از این سازوکارها پیش بینی نظارت مستمر عینی بر فعالیت‌های کارکنان است. از آنجا که انجام نظارت مستمر به

صورت فیزیکی و عینی نه ممکن و نه مطلوب است با این وصف به وجود آوردن این تلقی که ممکن است. فعالیت اداری کارکنان در هر مقطعی تحت نظارت قرار گیرد یا قرار داشته باشد، در انجام مطلوب خدمت و بهبود عملکرد می‌تواند مؤثر باشد. (رازدان، ۱۳۹۳، ۳۴). اهمیت شناخت انسان به عنوان کانون کنترل ابزاری به اندازه ای است که از نظر صاحب نظری مانند فوکو می‌تواند شکست یا موفقیت اقدامات انضباط بخش را تحت الشعاع خود قرار دهد. بر این اساس انضباط همیشه بر پایه ادعای شناخت خصوصیات سوژه انسانی بنا می‌شود. با توجه به این مدعا شکست انضباطی نه از آن رو است که اعمال انضباط از نقطه نظر فنی بر خطا بوده است بلکه نشانگر نیاز به دانش بیش تر درباره شخص یا اشخاصی است که بر آنها کاری صورت می‌پذیرد و این خود به پالایش بیش تر تکنیک می‌انجامد. در این خصوص استفاده از تجارب بشری و اصول عقلانی جهت احراز کارآمدی در تمامی سطوح نظام سیاسی نه تنها راه گشا بلکه اجتناب ناپذیر خواهد بود. بر این اساس علاوه بر به کارگیری سازوکارهای نظارتی پرورش مهارت‌ها، ایجاد فضای رقابتی توانمندسازی فردی و سازمانی که در تقویت رفتار پاسخگویانه مؤثر است. مدیریت هم باید از طریق ارتباط صمیمانه با کارکنان فرصت‌هایی برای شنیدن حرف آنها به وجود آورده و به احساس مفید بودن و نیاز آنان به تأیید و احترام پاسخ گوید (امیرخانی، ۱۳۹۶، ۱۱۵). آن چه در فرهنگ اسلامی بیش از همه عوامل رفتار صحیح و پاسخگویانه را تضمین می‌کند ایمان انسان مسلمان به حیات اخروی و پاسخگویی در محضر عدل الهی است که تعهدات حرفه ای و سازمانی فقط بخشی از آن را شامل می‌شود. در

سازی ساختارها علاوه بر ساختار سازمانی، ساختار قوانین و روش‌ها نیز مدنظر است.

۴-۹-۵. نیروی انسانی

نیروی انسانی قوی و توانمند که واجد توانایی‌های عصر اطلاعات، توانایی‌های ارتباطی، تخصص و تجربه بوده و آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند نیاز قطعی عصر حاضر است (عظیمی و مطلبی، ۱۳۹۵، ۱۱). چنین فرایندی موجب سهولت امر گزارش‌گیری و تسریع در امر بررسی و نتیجه‌گیری خواهد شد.

۵-۹-۵. بهره‌گیری از شاخص‌ها

با تدوین راهبردها و بدنبال آن تعریف و تدوین اهداف، باید معیارها و شاخص‌های معتبر تحقق اهداف شناسایی و تعریف شوند. در واقع نظارت زمانی مفهوم پیدا می‌کند که ما عملکردهای موجود را با شاخص‌های مطلوب مقایسه کنیم.

۶-۹-۵. پاسخگویی و شفافیت

در تمام مراحل نظارت، هم از سوی دستگاههای نظارت شونده و هم از سوی دستگاه‌های نظارت کننده باید احساس پاسخگویی به مردم و مقامات مسئول وجود داشته باشد (رحیمی، ۱۳۹۴، ۱۴). این امر نیازمند شفافیت در عملکرد است و بدون آن هم نظارت مختل می‌شود و نتیجه آن فساد اداری و اقتصادی خواهد بود. زیرا هر جا پنهان کاری و انحصار وجود داشته باشد نتیجه غیر قابل اجتناب آن فساد خواهد بود.

۷-۹-۵. بهره‌گیری از فناوری

نظام سیاسی به معنای حوزه سیاست و حکومت، سیستمی است که دارای تعامل با محیط پیرامونی خود بوده و از این محیط داده‌هایی گرفته و آن‌ها را به واسطه ساختارهای سیاسی پردازش کرده و سپس به صورت برون‌داد یا سیاست‌ها به محیط منتقل کرده است (عابدینی، ۱۳۹۲، ۱۳). چنانچه

هر صورت شخص به میزانی که خود را در محضر و منظر ناظرین خدا و ملائکه و انبیا و ائمه و شهدا و مردم می‌بیند پاسخگوتر خواهد بود.

۹-۵. لزوم توجه به چارچوب نظارت کارآمد

با توجه به موارد بیان شده چارچوب زیر برای نظارت کارآمد مطرح می‌شود.

۱-۹-۵. تدوین راهبردها و چشم‌اندازها

چشم‌انداز و راهبرد به عنوان مرکزیت حرکت مشترک می‌تواند جهت‌گیری فعالیت دستگاه‌های نظارتی را در مسیر اهداف مندرج در سیاست‌های کلان هدایت کند (جیراوند، ۱۳۹۰، ۱۴). ضمن اینکه با تدوین چشم‌اندازها و استراتژیها در واقع افق‌های قابل دسترسی و مورد نظر حاکمیت نیز مشخص می‌شود.

۲-۹-۵. تعامل با ظرفیت‌های بالقوه

این تعامل از دو بعد قابل بررسی است. در بعد اول تعامل دستگاه نظارتی با مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد مطرح است. که بنا به هر دلیل این تعامل بدرستی صورت نمی‌گیرد. و شرط تحقق نظارت کارآمد افزایش این تعامل در راستای چشم‌اندازها و استراتژیها و از طریق اطلاع‌رسانی با بهره‌گیری از فناوری ارتباطات و اطلاعات است. در بعد دوم تعامل بین دستگاههای نظارت کننده و نظارت شونده مطرح می‌شود که خود بر بهبود فرهنگ نظارت و نظارت‌پذیری مبتنی است. تاکید بر جنبه‌های مثبت و اصلاحی و پرهیز از معجزه‌گری می‌تواند در بهبود این تعامل موثر باشد.

۳-۹-۵. ساده‌سازی ساختارهای نظارتی

ساختارهای نظارتی هر چه ساده‌تر و انعطاف‌پذیرتر باشد. کارآمدی آنها بیشتر خواهد شد زیرا با پیچیده شدن این ساختارها و افزایش فعالیت‌های غیر ضرور، انرژی آن صرف حفظ سیستم می‌شود تا تحقق اهداف آن، در ساده

در مدل سیستمی از کارآمدی سخن گفته شود باید کارآمدی را قدرت تهیه ورودی، نحوه انجام عملیات روی آن‌ها، نحوه سازمان‌دهی خروجی و حفظ استمرار در تعادل سیستم به شمار آورد. به بیان ساده تر نسبت ستانده به داده بیان شود. یعنی ارزیابی فعالیت‌ها باید از راه بررسی میزان خروجی به اندازه ورودی باشد. (عابدینی، ۱۳۹۲، ۱۴)

وجود کارآمدی گرچه موضوعی عینی محسوب می‌شود لکن احساس وجود کارآمدی موضوعی ذهنی محسوب می‌شود. کارآمدی پدیده‌ای مرکب و چند بعدی است که از حاصل جمع کارآمدی اجزای آن به دست می‌آید. بهمین دلیل از ناکارآمدی یکی یا برخی از اجزای آن نمی‌توان ناکارآمدی کل سیستم را نتیجه گرفت و یا از کارآمدی یکی یا برخی از اجزای سیستم یا نظام نمی‌توان کارآمدی کل سیستم یا نظام را برداشت کرد. ارتقاء کارآمدی نظام از مهم‌ترین مسائل حیاتی جمهوری اسلامی ایران است. نظریه پردازی‌های راه‌گشا و مبتنی بر واقعیت‌های موجود نظام علی‌رغم اهمیت بی‌بدیل احراز کارآمدی در نظام سیاسی، اجتماعی و روش دسترسی به کارآمدی پایدار که حاصل آن استمرار مشروعیت ثانویه نظام خواهد بود بدست نیامده است. بطور کلی نظام‌های سیاسی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به فعالیت مشغول‌اند که تفکیک این عرصه‌ها، علی‌رغم برخی امتیازات، ایرادهای اساسی دارد؛ زیرا هیچ‌گاه نمی‌توان در جهان واقع چنین عرصه‌هایی را منفک و متمایز از همدیگر ردیابی و شناسایی کرد همچنین توجه به شرایط محیطی در کنار تفکیک میان ارکان مختلف نظام سیاسی و کارکردهای آن، امکان بررسی جامع را فراهم کرده و ذهن را در تفکیک شاخص‌های کارآمدی

نظام سیاسی یاری می‌رساند (پورسعید، ۱۴۰۰، ۳۳). از منظر مختصات نظام جمهوری اسلامی ایران موضوع مهم در بررسی ماهیت، ساختار و عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران این است که این نظام، علی‌رغم پاره‌ای اشتراکات با سایر نظام‌های سیاسی، از منظر ایده‌های بنیادین، اهداف، ساختارها و رفتارها و نوع تعامل با نظام‌های پیرامونی، ماهیتی کاملاً منحصر به خود دارد. بر این اساس، ماهیت، عناصر، فرآیندها و ارزیابی کارآمدی این نظام نیز با سایر نظام‌ها متفاوت است و تحقق بررسی همه ابعاد کارآمدی آن نیز مدلی بومی و متناسب به خود را می‌طلبد؛ زیرا کارآمدی مفهوم چندبعدی است. سطح کلی آن، کارکردهایی نظیر رفاهی، امنیتی، اقتصادی و بهداشتی که در همه نظام‌ها مشترک است اما سطح خاص بیانگر کارکردها است و ضوابط هنجاری و ارزشی حاکم بر نظام سیاسی را بیان می‌کند که در نظام‌ها متفاوت‌اند (حضوری، ۱۳۹۲، ۱۶).

از منظر مبانی، نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی مبتنی بر دین مبین اسلام و فقه امامیه است و فهم صحیح و کاربرد مناسب آن نیازمند نگاهی نظام‌واره و سیستمی می‌باشد زیرا دین مجموعه‌ای نظام‌مند از ابواب، عناصر و گزاره‌هایی به هم پیوسته است و همه در راستای هدف واحدی هستند که همان تحقق حیات طیبه در راستای سعادت دنیوی و اخروی بشریت است. این هدف ساختار ارتباطی اجزاء و عناصر را تعیین می‌کند که در این چارچوب، دارای روابط عمیق با یکدیگر و با متغیرهای محیطی پیرامون خود هستند. بر این اساس، دستیابی به فهم صحیح دین و کارکرد بهینه آن به عنوان نرم افزار نظام جمهوری اسلامی ایران بدون نگرش سیستمی امکان ندارد.

۵-۱۰. لزوم رویکرد نظارت سیستمی

فعالیت‌های نظارتی در مرحله اعلام نتیجه و پی‌گیری اجرای پیشنهادهای با چالش‌هایی عمده از جمله مقاومت مدیران، تردید در صحت و سقم نتایج بررسی، غیر قابل اجرا بودن پیشنهادهای عدم امکان رفع مشکلات به لحاظ محدودیت‌های منابع و بهانه‌هایی که بعد از اعلام نتیجه و ارسال گزارش مطرح می‌گردد، مواجه خواهد شد. این نوع استقبال از نتایج فعالیت‌های نظارتی در دستگاه‌های اداری و مراجع صالحه دیگر که وظیفه تعقیب کیفری یا اداری مجرمان و متخلفان و ناقضان قانون را برعهده دارند ناظران را کم انگیزه و افکار عمومی را مأیوس و نگران نموده است. عدم حساسیت محاکم قضایی در رسیدگی فوق‌العاده به اتهامات اعلام شده و مجازات مرتکبین فساد و ملاحظه‌کاری هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، در اتخاذ تصمیمات متناسب، اصلاحات مورد نظر سازمان‌های نظارتی را به ورطه فراموشی سپرده و جری شدن متخلفان را باعث گردیده است. صدور احکام برائت به اعتبار عدم احراز سوء نیت، ختم رسیدگی و اتخاذ تصمیم به لحاظ گذشت زمان، مشمول مرور زمان قرار دادن اتهامات افرادی که به حقوق و اموال عمومی و بیت المال تجاوز نموده اند یا تعیین مجازات‌های نامناسب جزای نقدی که عموماً درصد ناچیزی از اموال تصرف شده است هرگز راه به جایی نخواهد برد. عدم تحقق نتیجه، سازمان‌های نظارتی را به پی‌گیری‌های مکرر و بعضاً انصراف از آن سوق داده است. نبود ضمانت اجرای متناسب و قطعی در برخورد با این نوع برداشت از نتایج نظارتی، نقش مهمی را ایفاء نموده است. تأکید قانون‌گذار بر رسیدگی فوق‌العاده و خارج از نوبت یا اجرای پیشنهادهای در

ظرف مدت مقرر، کافی نبوده [نیست] و انجام اصلاحات اداری را تضمین نمی‌نماید (امیریان، ۱۴۰۱، ۱۵۴). تدوین و تصویب قانون، بدون ملاحظات کارشناسی و فنی، و اصلاحات مکرر بنا به نیازهای مقطعی و تشخیص‌های سلیقه‌ای از جمله آسیب‌هایی است که علاوه بر سازمان‌های نظارتی گریبان‌گیر بیشتر دستگاه‌های اداری کشور است. حجم قوانین و انبوه مواد قانونی، تضاد، تعارض، تناقض، ابهام و اجمال قوانین و دشوار بودن درک آن برای ناظران و مجریان، مقوله‌ای است قابل اهمیت و قبل از هر اقدامی، اصلاح قوانین و تدوین و تصویب قوانین ساده و قابل فهم ضروری به نظر می‌رسد. قوانین مورد عمل سازمان‌های نظارتی نیز از این قاعده مستثنی نیست (غفاری، ۱۳۹۰، ۱۱). روش‌های فعلی نظارتی از کفایت لازم برخوردار نبوده و پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیست. حذف روش‌های کهنه و ناکارآمد، و بهره‌برداری از روش‌های نوین ضروری است و اقتضا دارد نسبت به اتخاذ روش‌های نو با بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته و استفاده از آخرین تجارب جهانی اهتمام بیشتری داشته باشند (امیریان، ۱۴۰۱، ۱۵۸). اصرار بر اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های سنتی و انجام نظارت‌های فیزیکی و لزوماً با حضور ناظران، محدودیت‌هایی را در انجام وظایف محوله قانونی ایجاد کرده و موجب ناتوانی سازمان‌های نظارتی در توسعه فعالیت‌های نظارتی شده است. نابرابری‌ها چهره‌ای زشت از مناسبات اجتماعی می‌نمایاند. رفتارهای دوگانه و تبعیضات ناروا، فاصله‌ها را گسترده‌تر [خواهد کرد] و تفاوت‌ها را افزایش خواهد داد. بروز و توسعه فساد و از بین رفتن بیم و دلهره از انجام کارهای ناپسند، حکومت‌ها را برآن داشته است تا زمینه‌های فساد و شیوه شناسایی و مبارزه با آن

رامورد بررسی قرار دهند (امیریان، ۱۴۰۱، ۱۶۱). فساد پدیده‌ای است که ارکان حکومت را متزلزل و کرامت انسانی را تحقیرمی‌نماید، نظم اداری و انضباط مالی را نشانه می‌رود، استعدادها، توانایی‌ها، امکانات و سرمایه‌های کشور را ضایع و باورها و ارزش‌های انسانی و اسلامی را به فراموشی می‌سپارد؛ در نتیجه عدالت رنگ می‌بازد و فقر رخ می‌گشاید (امیریان، ۱۴۰۱، ۱۶۱). نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان دهنده این واقعیت تلخ است که فساد در شکل‌های مختلف در دستگاه‌های اداری وجود دارد و سازمان‌های نظارتی به‌رغم تمامی تلاش‌های انجام شده، قادر به مقابله و برخورد اصولی و ریشه‌ای با آن نبوده‌اند. هرچند ارزیابی وضعیت نظارت در کشور منوط به اطلاعات و آمار عملکرد سازمان‌های نظارتی و تحلیل کیفیت اثربخشی فعالیت‌ها و اقدامات آن‌ها در سطح کشور است، اما در یک دیدگاه کلی به نظر می‌رسد مجموعه اقداماتی که تحت عنوان نظارت و بازرسی در کشور انجام می‌شود به‌لحاظ موانع، محدودیت‌ها و مشکلات از کفایت و کارایی لازم برخوردار نبوده و نتوانسته در برخورد با پدیده‌های مختلف فساد نقش سالم سازی را ایفا نماید و همه زوایا و عرصه‌ها را تحت پوشش قرار دهد.

۶. نتیجه

سازوکار نظارت دارای دو بعد درون سازمانی و برون سازمانی می‌باشد؛ در بعد درون سازمانی متغیرهایی چون میزان آموزش، تخصص و تجربه نیروی انسانی، ساختار سازمانی، استراتژی‌های سازمانی، استفاده از شاخص‌ها و استفاده از فناوری به عنوان متغیرهای اثرگذار در امر نظارت محسوب می‌شوند متغیرهای بیرونی موثر در امر نظارت را، نیز می‌توان به نحوه تقابل با

دستگاه‌های نظارت شونده، ارتباط با مردم و پاسخ‌خواهی آنها، وجود فرهنگ نظارت در دستگاه‌های نظارت شونده و ادبیات مشترک اشاره کرد. ترکیب منحصر به فرد این ابعاد و متغیرها، اثربخشی و کارآمدی نظارت را مشخص می‌کند. آنچه در اغلب بررسی‌ها مدنظر قرار گرفته است متغیرهای درون سازمانی هستند و کمتر ابعاد بیرونی موثر بر نظارت مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. در بحث مبانی نظری چگونگی اعمال نظارت به سه نوع نظارت اشاره می‌کنند. نظارت قبل از اجرا، نظارت حین اجرا و نظارت بعد از اجرا. هر چند در ساختارهای نظارتی، هر سه نوع نظارت پیش‌بینی شده است ولی عملاً آنچه انجام می‌گیرد، نظارت پس از اجراست. این امر باعث می‌شود کنترل‌های لازم در مرحله هدف گذاری و تعیین سیاست‌ها لحاظ نشده و هزینه‌های اداری و مالی بالا رود. ضمن اینکه کنترل در حین برنامه‌ها که به عنوان گام‌های اصلاحی محسوب می‌شوند، معمولاً در نظام اداری کمتر دیده می‌شود و عمدتاً به حاصل کار و نتیجه اجرای تصمیمات و مصوبات بسنده می‌شود. به عنوان دیگر کنترل در نظام اداری روندگرا نیست بلکه نتیجه گراست.

با توجه به نوع نگرش و جهان بینی دینی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران مندرج در قانون اساسی و سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر معظم انقلاب، احراز کارآمدی در تحقق اهداف نظام و ارتقای پایدار آن از مفاهیم اصلی و بنیادی نظام محسوب شده می‌بایست سیاست‌گذاران و تصمیم گیران نظام با عقلانیت و درایت لازم تحقق اهداف ابلاغی را در زمان بندی مشخص وجهه همت و دستور کار اصلی خود قرار داده با تجمیع ظرفیت‌های ساختار کلان و اعمال

مدیریت واحد با استفاده از ابزار مهم و کلیدی نظارت کارآمد و موثر بر عملکرد مسئولین، در عالی ترین سطح، تحقق اهداف ابلاغی به طور مستمر پایش و متناسب با نتایج حاصله تصمیمات مقتضی اتخاذ شود. بنابر این نظارت بر چگونگی عملکرد مسئولین در تحقق اهداف نظام، برای حاکمیت امری ضروری و اجتناب ناپذیر و تسهیل کننده کارآمدی و زمینه ساز ارتقاء پایدار آن است و بدون انجام این امر، کشور نه تنها کارآمدی خود را از دست خواهد داد بلکه باعث ایجاد انحراف در کارکردها و موجبات ناکارآمدی و هرج و مرج و زیر سؤال رفتن مشروعیت ثانویه نظام خواهد شد. پژوهش های انجام شده حکایت از این واقعیت تلخ دارد که هرگاه نظارت کامل و درست انجام نشود در نهایت به فساد در اشکال مختلف آن در عملکرد مسئولین منجر می شود. طبیعی است در صورتی که سیستم نظارت در کشور مؤثر باشد، می تواند جهت تحقق اهداف، نواقص و انحرافات صورت گرفته در عملکردها و عناصر سیستم را شناسایی و برطرف کند و اگر حاکمیت، فاقد سیستم نظارت موثر و کارآمد باشد، به دلیل عدم استفاده بهینه از منابع در زمان مقرر نمی تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشند. جهت تحقق اهداف و ارتقاء کارآمدی نظام پیشنهاد می گردد با نهاد سازی (تاسیس نهاد عالی نظارت) و با پرهیز از ایجاد کمیت متراکم، نسبت به تجمیع و بهره گیری استعداد های نظارتی موجود قوا و نهادها با استفاده از کارشناسان خبره و متخصص با شرائط ویژه و مستقل از ساختار موجود، و تحت نظر و اشراف رهبر معظم نظام نسبت به کنترل و نظارت بر اجراء قوانین و برنامه های ابلاغی مبادرت ورزید. طبیعی است وظیفه اصلی نهاد نظارت در وهله

اول پرداختن به کنترل و نظارت عناوین اصلی و کلان برنامه های ابلاغی است. چنانچه ساز و کارهای کنترل داخلی در دستگاههای دولتی و قوه قضائیه به درستی استقرار یافته باشد، نهاد عالی نظارت می تواند با صرف توان معمولی خود و نظارت عالی بر عملکرد کلان عناصر تابعه قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه مجریه، و کلیه نهادها از طریق انعکاس به موقع و حین اجراء گزارش های نظارتی و در نتیجه انجام به موقع اصلاحات قبل از سپری شدن فرصت های بی بدیل ملت، بهره دهی و خروجی قوا و نهادها را به حد کمال نزدیک کند. تفویض اختیار و مسؤولیت نظارت به دستگاه های نظارتی قوای مجریه و قضائیه در صورت تائید صحت عملکرد توسط نهاد عالی نظارت، فقط سطح کنترل های عملیاتی نهاد عالی نظارت را از خرد به کلان ارتقاء می بخشد و به هیچ عنوان این قوا را از دایره کنترل این نهاد خارج نمی سازد. در این وضعیت بجای نظارت بر جزئیات عملکرد عناصر عملیاتی دستگاه ها و حضور در تمامی مواضع و صرف هزینه و نیروی انسانی، نهاد عالی نظارت کارکرد کلان دستگاه ها و برنامه های ابلاغی و چگونگی عملکرد مسئولین را در جهت تطبیق و یا انحراف از قوانین و برنامه های ابلاغی بررسی و نتایج حاصله را جهت چاره جوئی و انجام اقدامات مقتضی به سران گزارش خواهد نمود.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- ارسطا، محمد جواد، عامری، زهرا، نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه علوی، مجله علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، ۱۳۹۲.
- اصلانی، اقبال، بررسی تطبیقی مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرال، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۰.
- امیرخانی، مهسا، بررسی عوامل موثر بر چابکی زنجیره تامین و عملکرد آن در حوزه سازمان های صنعتی و توحیدی، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- امیریان، رامین، نقش حسابرسان در رسیدگی به جرائم مالی، موسسه آموزش عالی ارشد، شماره اول، ۱۴۰۱.
- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
- بهبود آهنی، سجاد، ارتباط بین کیفیت ارائه خدمات، رضایت عاطفی و مقاصد رفتاری کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی استان گیلان، واحد بین المللی بندر انزلی، ۱۳۹۷.
- پورعزت، علی اصغر، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- پورسعید، فرزاد، کارآمدی نظام سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مجموعه مقالات، ۱۴۰۰.
- جیراوند، غیث، آسیب شناسی ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم سیاسی، ۱۳۹۰.
- حضوری، مصطفی، بررسی مفهوم نظارت، تهران، مرکز تحقیقات شورای نگهبان (گزارش پژوهشی)، ۱۳۹۲.
- خلیلی، رضا، نظام امنیتی چارچوبی بدیل برای مطالعه سیاست مقایسه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره اول، ۱۳۸۷.
- دادگر، حسن، معصومی نیا، غلامعلی، فساد مالی، تهران، نشر کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳.
- رازدان، سعیده، تاثیر انگیزندگی ناشی از حضور تماشاگر بر ادراک عمق و حافظه فضائی دانشجویان دختر ورزشگاه، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۱۳۹۳.
- رحیمی، مهدی، بررسی رابطه ارتباطات میان فردی متصدیان امور بانکی و مشتریان در جهت جذب سپرده، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۴.
- رضائیان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- رهبر، عباسعلی، حقوق متقابل دولت و ملت در مردم سالاری دینی، حقوق اساسی، ۱۳۷۵.
- رهبر، عباسعلی، فهم مسئله شناسی سیاسی دولت در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۸، شماره سی ام، ۱۴۰۱.
- صادقی، حسین، صباغ کرمانی، مجید، شقاقی شهری، وحید، بررسی اثرات تمرکززدایی مالی بر کنترل فساد، نشریه تحقیقات اقتصادی، دوره چهل و سوم، شماره هشتاد، ۱۳۸۷.
- عابدینی، آرش، کارآمدی نظام سیاسی، تهران، دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۹۲.
- عظیمی، سید رؤف، مطلبی، مسعود، ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، فصلنامه منافع ملی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۹۵.
- غفاری، معصومه، بررسی معایب و محاسن نظارت مالی دیوان محاسبات کشور در نظام حقوقی ایران، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۰.

